فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۴۰-۱۰۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۵

بحران سوریه و امنیت ملی ترکیه

روح‌الله خلیلی‌نژاد کشکوئی[۱]
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی
حسین دهشیار[۲]
استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

ترکیه طی سال‌های متمادی و به دلایل گوناگون – نظیر فعالیت‌های سیاسی کردها در سازمان پ.ک.ک. (Partiya Karkerên Kurdistanê) و چگونگی تقسیم آب فرات و غیره – روابط شکننده‌ای با سوریه داشت. اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، این کشور کوشید روابط خود را با سوریه بهبود بخشد. از سوی دیگر، بشار اسد نیز تلاش کرد تا اختلافات گذشته را حل و فصل نموده و از دامن زدن به آنها پرهیز نماید. با این وجود، پس از تحولات بهار عربی در منطقهٔ خاورمیانه، دولت ترکیه سیاست تهاجمی به خود گرفت و از نشست‌های گروه‌های مخالف دولت بشار اسد میزبانی نمود. این مسئله سبب شد تا بارها نمایندگان احزاب سیاسی مخالف و سازمان‌های مردم نهاد به‌ویژه در استان‌های نوار مرزی، این سیاست‌ها را مورد انتقاد قرار داده و اعتراضات فراگیر عمومی را برگزار نمایند.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که بحران سوریه چه تأثیری بر امنیت ملی ترکیه داشته است؟ پاسخ نویسندگان به این سؤال عبارت است از اینکه «بحران سوریه از طریق گسترش بی‌ثباتی منطقه‌ای موجب خشونت‌بارتر شدن سیاست‌های ترکیه برای حفظ یکپارچگی ارضی شده، معادلات سیاسی داخلی این کشور را دچار چالش ساخته است».

واژه‌های کلیدی: نوواقع گرایی، بحران سوریه، امنیت ملی ترکیه.

1.ruhollakhalilinejad@gmail.com
2. h_daheshiar&yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مقدمه

تحولات عمیق در سطح منطقه‌ای و به ویژه عرصهٔ سیاست داخلی، عوامل تعیین کننده‌ای بودند که هم امنیت ملی و هم اهداف منطقه‌ای ترکیه را چنان با چالش‌ها و فرصت‌های نوینی مواجه نمودند که این کشور نمی‌توانست سیاست سنتی عدم مداخله در مسائل امنیتی و انزوای سیاسی در خاورمیانه را ادامه دهد. در واقع در دههٔ اخیر، ثبات سیاسی ناشی از تداوم حاکمیت حزب عدالت و توسعه، دستاوردهای بزرگ اقتصادی دولت و حرکت به سمت دمکراتیزاسیونِ ساختار سیاسی و امنیتی کردن عرصهٔ سیاست و فرهنگ، بستر مهمی برای سیاست خارجی جدید خاورمیانه‌ای ترکیه در کسب منزلت و قدرت بوده است. البته در چند دههٔ اخیر بین ثبات سیاسی، تقویت روندهای دمکراتیک و سیاست خارجی فعال و چندجانبه‌گرایانه ترکیه ارتباط مشخصی وجود دارد.

جنبش‌های خاورمیانه عربی، بازیگران اصلی منطقه (ایران، ترکیه و عربستان) را با فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی مواجه کرد. با توجه به اهداف، ایدئولوژی و پایگاه اجتماعی نیروهای انقلابی و نوع ارتباط با رژیم‌های حاکم، هر کدام از این قدرت‌های منطقه‌ای با فرصت‌ها و تهدیدهای جدید و گزینه‌های متعارضی در مواجهه با این جنبش‌ها برای تأمین منافع و امنیت ملی خود روبه‌رو شدند و البته تهدیدات این جنبش‌ها برای ترکیه بیش از دیگر کشورها می‌تواند برآورد شود. این مقاله در پی بررسی تأثیر بحران سوریه بر امنیت ملی ترکیه است.

۱. مبانی نظری

نوواقع‌گرایی متأثر از دیدگاه‌های کنت والتز سعی دارد نظریه‌ای کل‌گرا برای فهم سیاست بین‌الملل ارائه کند. والتز با اشاره به مفهوم تقلیل‌گرایی و نارسایی آن، به دنبال نظریه‌ای سیستمی مبتنی بـر خارج به داخل و ساختارگراست کـه مـطابق آن ساختار نظام بین‌الملل به عنوان علت اصلی رفتار دولت‌ها معرفی می‌شود. یک نظریه سیستمی و کل‌گرای سیاست بین‌الملل باید به تبـیین اینکه چگونه ساختار سیستم، محدودیت‌هایی را بـر رفتار دولت‌ها تحمیل می‌کند، بپردازد.

بدین‌ترتیب، نظریه ساختارگرای والتز به نیروهای بین‌المللی اشاره دارد که بر رفتار دولت‌ها تأثیر می‌گذارند. از دیدگاه او این نیروها را می‌توان ساختار نام نهاد. تعریف والتز از سـاختار

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

شـامل مـجموعه‌ای از شـرایط مـحدودکننده است. با اشـاره بـه اینکه ساختار امری نامرئی است، والتز استدلال می‌کند که چنین ساختاری را می‌توان گزینشگر نامید، زیـرا عـلت غـیرمستقیم، رفتار کارگزار است. به عبارت دیگر، سـاختار، تـعیین کـننده رفـتار کـارگزار اسـت. اگرچه در مرحله نخست ساختار با تعامل واحدها شکل می‌گیرد، اما پس از شکل‌گیری، این ساختار است که رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند (Waltz, 1979).

بسیاری از متخصصان معتقدند که نظریه‌های واقع‌گرایی بهترین تبیین را از روابط و معادلات موجود در صحنه این منطقه ارائه می‌دهد. یکی از کاربردهای این نظریه استفاده از آن برای تبیین توازن قدرت موجود در منطقه و تلاش‌هایی است که برای حفظ یا تغییر آن از سوی بازیگران مـنطقه‌ای و بـین‌المللی صورت می‌گیرد. در بحث توازن قوای حاکم در منطقه نیز خواهیم دید که چگونه در رقابت با یکدیگر، برای جلوگیری از هژمونی دیـگری، حـمایت از کنشگران خاص را مورد نظر قـرار داده‌اند. البته نکته مهم این است که این موضوع به معنی قصد آنها برای محدودسازی قدرت یا اهداف خویش به سبب نظام نیست، بلکه آنـها بـیشتر در پی بیشینه ساختن قدرت یـا امـنیتشان هستند، اما به گونه‌ای که توزیع متعادل قدرت نیز در میانشان شکل بگیرد و حفظ شود. آنها می‌خواهند هر هدفی را که برمی‌گزینند، پیگیری کنند و به دیگران هم اجازهٔ تعقیب اهداف خود را بـه طور محدود بدهند. یا اگر وضع موجود با منافعشان همسو باشد، حامی آن هستند و استراتژی–های موازنه‌ای را برمی‌گزینند، اما نه به سبب اهداف اولیهٔ توازن، بلکه برای تحدید قدرت دیگران در جهت حـفظ امـنیت و استقلال خـود. بنابراین، حفظ نظام پیامد ناخواستهٔ کنش‌های بازیگرانی است که هر یک در جهت بیشینه ساختن منافع خـود، در درون محدودیت‌های موجود تلاش می‌کنند. در واقع، موازنه قوا با وجود نـظرهای مـختلفی کـه در مورد کارکردهای آن وجود دارد، دست کم پیش‌بینی می‌کند که تساوی قدرت بین دو کشور، احتمالاً به صلح مـنجر مـی‌شود یا دست کم احتمال جنگ را کاهش می‌دهد (Guoji, 2001: 3-7).

بر این اساس، می‌توان چنین تـحلیل کـرد کـه شکل‌گیری توازن قوای حاکم بر منطقه پس از تنش‌ها و درگیری‌هایی که پیش آمد، با وجـود نیافتن راه‌حل قطعی برای مسئله، دست کم مانع از تکرار دوباره آن شود (Waltz, 8-9 :1988). در واقع، والتـز معتقد است که موازنه قـوا در آغـاز به عنوان نتیجه ناخواستهٔ تلاش دولت‌ها برای بقا در نظام بین‌المللی آنارشیک ظهور

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

می‌کند. وی ادامه می‌دهد در یک نظام دوقطبی، موازنهٔ قوای مبتنی بر دشمنی می‌تواند راهی برای رسیدن به موازنهٔ قـوای مبتنی بر مشارکت باشد. در مجموع انتقادهایی که به والتز وارد شد سبب شد تا او موازنهٔ تهدید را به جای موازنهٔ قوا مطرح کند. موازنهٔ تهدید بیان می‌کند که تهدید مشترک می‌تواند اتحاد دولت‌ها و در نـتیجه موازنه را ایجاد کند (Waltz, 63 :2008). در این رابطه نیز توازن قدرت در حوزه مورد توجه قابل ارزیابی است که آن با توجه به نیروهای مختلف حاضر در منطقه بر سر مناقشه‌های مطرح مورد ارزیابی قـرار گـرفته است. در این میان، اگرچه ملاحظات مربوط به دستاوردهای نسبی و نگرانی از فریب، کشورهایی را که به فکر ایجاد یا حفظ توازن قوا هستند، با بدبینی در مورد همکاری، آن هم در وضعیت آنـارشیک روبـه‌رو می‌کند، اما حضور آمریکا در این منطقه را پیش از هر چیز می‌توان با این موضوع در نظریه نوواقع‌گرایی، که کشورها در پی افزایش امنیت خود، در جست‌وجوی قدرت بیشتر هستند، توجیه کرد (Schmit, 2002). بـه طـور کـلی، از میان تعاریف مختلف موازنه قـوا مـی‌توان بـه سه اصل مهم و مشترک اشاره کرد: نخست سیاست بین‌الملل در سرشت خود به توزیع برابر قدرت‌ها متمایل است. دوم جست‌وجـوی هـر بـازیگر برای استیلا در نظام، در هر دورهٔ زمانی با مخالفت روبـه‌رو شـده است. سوم امید هر بازیگر به استیلا بر نظام ناشی از برآورد اشتباه او از توانمندی‌های خود و دیگران است (Litel, 2010: 14). چنانچه خواهیم دیـد ارمـنستان نـیز مانند هر کشور دیگری براساس این نظریه می‌داند کـه هیچ دولتی به آن اندازه قوی نیست که در برابر هر ترکیب احتمالی از دولت‌های دشمن احساس امنیت کند. از این‌رو، تـشکیل اتحادها و ضداتحادها ضرورت می‌یابد. در همان حال قدرت‌طلبی هر دولتی ممکن اسـت بـه دو طریق به کشمکش منجر شود: الگوی تضاد مستقیم و الگوی رقابت (Litel, 2010: 17).

دولت‌ها دو ویژگی مهم دارند: نخست اینکه مـنفعل هـستند و نـمی‌توانند ساختار آنارشی بین‌المللی را دگرگون کنند. دوم اینکه سازگار هستند و خود را با ضرورت‌ها و مـلاحظات سـاختاری تنظیم می‌کنند. نکته دیگری که در رابطه با ساختار به آن باید اشاره شود، ایـن است که فـرایندی کـه ساختار با آن کار می‌کند یا منجر به رفتار خاصی می‌شود، دو وجهی است و از طریق جامعه‌پذیـری مـیان کنشگران و رقابت میان آنها عمل می‌کند. منظور این است که دولت‌ها بـه تـدریج بـا توجه به پاداش‌ها و مجازات‌هایی که در برابر رفتارهای مختلف خود

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

دریافت می‌کنند، رفتار مناسب را در می‌یابند. هـمین سـبب شـباهت در رفتار آنها می‌شود. رقابت نیز چنین تأثیری دارد. به طوری که دولت‌ها خـود را ناگزیر می‌بینند که برای اینکه قدرت رقابت با دیگران را داشته باشند، رفتارهای مناسبی داشته باشند کـه نـتیجهٔ آن هم شباهت رفتاری است (Moshirzadeh, 115 :2009).

۲. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ترکیه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مقامات ترکیه هراس داشتند که پایان جنگ سرد اهمیت استراتژیکی این کشور را کاهش دهد، ولی نه‌تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه در پی تحولات صورت گرفته در فضای ژئوپلیتیکی مناطق پیرامون، اهمیت استراتژیک ترکیه افزایش پیدا کرد (Khalilzad, et. al., 2000: 2). بر این اساس، ترکیه منافع امنیتی و اقتصادی خود را نه در چارچوب جدال دو قطب و متناسب با ایدئولوژی ابرقدرت‌ها، بلکه براساس منافع و ملاحظات استراتژیکی، امنیتی، اقتصادی و با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی- ژئوپلیتیکی، سنت‌های تاریخی و پتانسیل‌های فرهنگی و مذهبی خود بازتعریف کرد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). از میان رفتن توازن جنگ سرد مبتنی بر ساختار نظام دوقطبی باعث ایجاد حوزه‌های خلأ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی روی گذرگاه عبوری و ارتباطی شمال - جنوبِ کمربند پیرامونی واقع در جهت شرق - غرب شده است. در دوره پس از جنگ سرد طرح مجدد و رو به افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی، ارتباط مستقیمی با حوزه‌های خلأ استراتژیک ایجادشده دارد. این حوزه‌های خلأ ژئواستراتژیکی، ترکیه را که یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این کمربند واقع در شبه جزیره آناتولی است، تحت تأثیر قرار داده و در ترجیحات استراتژیک منطقه‌ای و جهانی آن تأثیرات درخور توجهی داشته است (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۱۲٤).

اهمیت جایگاه ژئوپلیتیکی ترکیه متضمن موقعیت ژئواستراتژیکی این کشور در منطقه جنوب غرب آسیاست (Tocci & Bechev, 2013: 96). ترکیه در مناطق جنوب غرب آسیا بازیگر عمده‌ای به حساب می‌آید و همین امتیاز موقعیت این کشور را میان کشورهای این منطقه تقویت می‌کند (Ergun, 2012 :136). از نظر داود اوغلو، ترکیه به علت موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود، عمق استراتژیکی دارد. از این‌رو، وی ترکیه را در زمره کشورهایی می‌داند که آنها را «قدرت‌های مرکزی» می‌نامد. داود اوغلو معتقد است که ترکیه نباید خود را محدود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

به نقش منطقه‌ای در بالکان یا جنوب غرب آسیا کند؛ زیرا کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای. بنابراین، باید نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند (نیاکویی و بهمنش،۱۳۹۱: ۱۲٤).

همسایگی ترکیه با سه منطقه مهم سیاسی اقتصادیِ قفقاز، خاورمیانه و بالکان اهمیت ویژه‌ای به این کشور داده است. برخلاف تصوراتی که باور داشتند در دوران پس از جنگ سرد، شاهد کاهش تنش‌ها در مناطق فوق و در نتیجه کاهش اهمیت ژئوپلیتیک ترکیه خواهد شد، چنین اتفاقی نیفتاد. موقعیت استراتژیک و منحصر به فرد ترکیه، به‌عنوان حلقهٔ اتصال میان اروپا و آسیا و حالت شبه‌جزیره‌ای آن و نقشی که تا این اواخر به‌عنوان «دروازه‌بان» در مقابل بخش اروپایی اتحاد جماهیر شوروی سابق داشت و امروزه، واقع شدن در سر راه جمهوری‌های استقلال‌یافته به مدیترانه و ارتباط میان اروپا و آسیا برای ترکیه این امکان را فراهم کرده است. ترکیه در موازنه قدرت‌های جهانی از موقعیت نظامی مزبور، که زاییده محیط جغرافیایی و طبیعی آن کشور است، حداکثر بهره‌برداری را کرده و این موقعیت تأثیر به‌سزایی در توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی آن دارد.

علاوه بر این، نقش ترکیه در جریان جنگ خلیج‌فارس، کوزوو و افغانستان می‌تواند تکیه‌گاه مناسبی برای جهان غرب باشد. عضویت ترکیه در پیمان‌های منطقه‌ای مانند جامعه اروپا (عضویت در برخی ارگان‌ها در حال حاضر)، اکو، ناتو، پیمان همکاری‌های کشورهای حوزه دریای سیاه و دی هشت، نشانگر ایفای نقش فعال این کشور در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد (قاسمی، ۱۳۸٦: ۲۱٤).

با این اوصاف موقعیت خاص جغرافیایی ترکیه موجب شده که این کشور از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار بوده و از تأثیرگذارترین کشورها بر قدرت‌های جهانی باشد. وجود نفت در خاورمیانه و بحران‌های متعدد در این منطقه موجب افزایش اهمیت ترکیه گشته و از طرفی نزدیکی این کشور به دریای سیاه، اژه و مدیترانه و وجود دو تنگه مهم بسفر و داردانل باعث شده کالاهای مصرفی اروپایی از طریق ترکیه به خاورمیانه ارسال شود. به همین دلیل، راه‌های ارتباطی کشور ترکیه توسعه و گسترش یافته است.

در نگاه غرب در دوران پس از جنگ سرد ترکیه از چند منظر در سیاست خارجی آمریکا و کشورهای اروپایی اهمیت خاصی دارد:

۱. این کشور مدلی برای دولت‌های قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان به شمار می‌رود. مدلی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

که برخلاف مدل ایران و حتی عربستان منافع غرب را تهدید نمی‌کند.

۲. تحولات ترکیه نقش به‌سزایی در ظهور یا افول جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه دارد.

۳. موفقیت بخش خصوصی در ترکیه، آزمونی کلیدی برای تأثیرگذاری بخش خصوصی در ثبات و اصلاحات سیاسی کشورهای مناطق پیرامون این کشور محسوب می‌شود (قهرمان‌پور، ۱۳۸۰: ۲۳٦).

همسویی‌های ترکیه در پیشبرد سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در قبال عراق از اهمیت زیادی برای کشورهای غربی برخوردار است. پس از حملهٔ آمریکا و انگلیس به عراق همه منتظر بودند که ترکیه با دریافت پیام آمریکا حاضر می‌شود در جبهه دوم علیه حکومت بعثی عراق بجنگد. ترکیه با تکبر خاصی که در باب موقعیت راهبردی خود داشت، بسته تشویقی آمریکا را پس فرستاد و از سنت واقع‌گرایی در سیاست خارجی دور شد. تقاضای ترکیه از آمریکا مبنی بر اعطای ۳۰-۲۰ میلیارد کمک به این کشور و نیز بخشش بدهی‌هایش، آمریکایی‌ها را پراند و آنان ترجیح دادند به جای گفت‌وگو با ترکیه، جبهه جنوب عراق را تقویت نمایند. این اقدام آمریکا، ترک‌ها را به خود آورد و آنان متوجه شدند که فرصت بسیار بزرگی را از دست داده‌اند (سلطانی‌نژاد و حاجی یوسفی، ۱۳۸٦: ۱۵).

با توجه به نزدیکی شمال عراق به مرزهای ترکیه، این منطقه از اهمیت خاصی برای آنکارا برخوردار است. از نقطه‌نظر اقتصادی و ژئواکونومیکی پیوند آنکارا- اربیل امتیاز بزرگی برای ترکیه به‌خصوص در زمینه همکاری‌های حوزه انرژی محسوب می‌شود (همان: ۳۰٤).

شمال عراق به‌رغم وسعت نه‌چندان زیادش یکی از مهم‌ترین مناطق خاورمیانه است. چراکه این منطقه سرشار از منابع هیدروکربنی است و با توجه به کمبودهای ترکیه در زمینهٔ انرژی و منابع معدنی شمال عراق می‌تواند تا حد زیادی این مشکلات آنکارا را حل کند (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ٤۰).

در اوایل سال ۲۰۱۱میلادی و با تغییرات سیاسی و ناآرامی‌هایی که منجر به بروز مباحث بین‌المللی دربارهٔ ارتباط میان موضوعاتی همچون جوامع غیرنظامی، مسائل بشردوستانه و حکومت‌های داخلی شده‌اند، نقش منطقه‌ای ترکیه به‌مراتب پررنگ‌تر از گذشته شد. علاوه بر آن، اهمیت رو به رشد ترکیه به‌عنوان قطب مهم حمل‌ونقل و انرژی منطقه‌ای که منابع تأمین آن فقط به ایران و روسیه محدود نمی‌شود، اهمیت ثبات امنیت ترکیه را برای بازارهای جهانی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

انرژی بیش‌ازپیش نموده است. چنین واقعیتی محاسبات هر دو کشور آمریکا و ترکیه را در رابطه با منافع متقابل و اهرم همکاری‌های دفاعی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آمریکا امیدوار است تا مشارکت نظامی ترکیه و اجازهٔ بهره‌گیری از خاک وی در برخی عملیات‌های دفاعی، (همچون افغانستان، لیبی و دفاع موشکی ناتو) بتواند سطح نفوذ آمریکا را بر روی بازیگران منطقه‌ای افزایش داده و همچنین اقدامات و فعالیت‌هایش را در جوامع مسلمان، مشروعیت سیاسی دهد. رهبران ترکیه با آگاهی از میزان اهمیت نقش خود برای آمریکا در پی کسب منافع از این کشور و همچنین ارتقای سطح اعتبار خود در برقراری روابط با دیگر کشورها هستند.

۳. امنیت ملی ترکیه

ترکیه به علت موقعیت و شرایط خاص خود نقش حلقهٔ اتصال مواصلاتی را در ابعاد ارتباطات زمینی، دریایی و هوایی بین دو قاره اروپا و آسیا ایفا می‌کند و در بُعد نظامی نیز از موقعیت ممتازی برای کنترل مناطق همجوار در شمال دریای سیاه، قفقاز، ایران، عراق و خاورمیانه برخوردار است. از سوی دیگر، نحوهٔ گسترش تأسیسات نظامی، ترکیب و استقرار پایگاه‌های هوایی، دریایی و موقعیت نظامی سواحل آن کشور در دریاهای سیاه، اژه و مدیترانه و تسلط بر دو گذرگاه راهبردی بسفر و داردانل ارزش نظامی و اقتصادی خاصی را برای این کشور در منطقه جنوب‌غربی آسیا فراهم کرده است. ترکیه همواره مورد توجه دولت‌های اروپایی و آمریکا بوده و در حال حاضر نیز نقش ارزنده‌ای برای غرب در قالب ناتو ایفا می‌کند. ترکیه گرایش‌های شدیدی به غرب دارد و مدت مدیدی است که در انتظار ورود به جرگه کشورهای اروپایی به سر می‌برد. به دنبال انعقاد قرارداد ماستریخت، ترکیه به عضویت اتحادیه نظامی اروپا، یعنی بازوی نظامی جامعه مشترک اروپا درآمد و برابر مفاد پیش‌بینی شده در قرارداد ماستریخت، در تدوین سیاست‌های خارجی و دفاعی اروپا از اختیارات و مسئولیت‌های مشابه سایر اعضاء برخوردار است. ترک‌ها امیدوارند این امر موجب شود شرکت‌های ترک در قراردادهای دفاعی اروپا حضور یافته و زمینهٔ مساعد برای انتقال فناوری تسلیحاتی به ترکیه و دریافت کمک‌های فنی و مالی اروپا از طریق ساختارهای دفاعی فراهم گردد (Christiansen, et. al., 2016: 163). اما شواهد نشان می‌دهند کشورهای اروپایی از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

انعقاد قراردادهای پرسود با ترکیه خودداری می‌نمایند. به طور کلی راهبرد نظامی ترکیه بر مبنای اصول اساسی زیر طراحی شده است:

۱. حفظ آمادگی نیروهای مسلح ترکیه در بالاترین سطح ممکن؛

۲. تأمین امنیت منطقه‌ای از طریق شرکت در پیمان‌های نظامی؛

۳. تلاش برای تهیه سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای نوین؛

٤. تأکید بر اهمیت آموزش در نیروهای مسلح (Tocci, 2014: 35).

سیاست دفاع ملی ترکیه بر دفاع پیشگیرانه، مشارکت فعال در امنیت جمعی و حفظ قدرت نظامی که قادر به جلوگیری از تهدیدهای داخلی و خارجی باشد، استوار است. در این شرایط ترکیه برای گسترش روابط نظامی خود با بسیاری از کشورها از جمله آلبانی، مقدونیه، آذربایجان، گرجستان، اسرائیل، اردن، ترکمنستان، قزاقستان و جز اینها تلاش می‌کند. همچنین، آنکارا سعی دارد با حل مناقشه‌های منطقه‌ای از طریق طرح اختلاف‌ها و مشکلات در برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و ناتو و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای خود، نقش یک کشور قدرتمند که می‌تواند در منطقه ثبات ایجاد نماید، را ایفا کند. ترکیه از اعضای گروه مینسک است که برای برقراری صلح و حل مناقشه قره‌باغ تلاش می‌کند و در اِسفور، آیفور، یونوسام، یوانپروفور، یونیکام، یونومیک و ایساف نیرو دارد (Howorth, 2014: 6-7).

در تعیین سیاست‌های امنیت ترکیه همواره نوعی ترس نهفته است که از آغاز تشکیل حکومت جمهوری سرچشمه گرفته و باعث می‌شود ترک‌ها اعتقاد پیدا کنند که کشورهای خارجی و همکاران داخلی آنها برای تضعیف و تجزیه ترکیه تلاش می‌کنند. ترکیه برای غلبه بر این ترس، راهبرد دفاع از مرزها و بازدارندگی را برگزیده و خود را برای جنگ‌های همزمان در صحنه‌های دریای اژه و مرزهای جنوبی و یک نیمه جنگ داخلی که ممکن است در پی تحریک‌های داخلی به وجود آید، آماده می‌نماید. دولت‌مردان ترکیه معتقدند حمایت ناتو از ترکیه کاهش یافته و ترکیه باید با اتکا به خویش، خود را برای مقابله با هر تجاوز طولانی مدتی آماده کند. برای این کار لازم است ترکیه هزینه‌های دفاعی خود را افزایش داده و خود را به فناوری پیشرفته نظامی مجهز نماید. آنان چنین نتیجه می‌گیرند که داشتن نیروهای مسلح قوی و بازدارنده برای امنیت ملی ترکیه ضروری است و حتی یک سیاست خارجی مناسب نیز نمی‌تواند از یک قدرت نظامی که متکی به سیاست خارجی است، قوی‌تر باشد. راهبرد دو و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

یک دوم، یونان و سوریه را از جمله کشورهایی می‌داند که در آینده‌ای نزدیک تهدیدهایی برای امنیت ترکیه به حساب می‌آیند (Öniş & Yılmaz, 2009: 55-56).

۴. نقش و جایگاه ترکیه در بحران سوریه

ترکیه سال‌های متمادی روابط شکننده با سوریه داشته است. در عین حال با روی کار آمدن دولت حزب عدالت و توسعه این کشور روابط با سوریه را بهبود بخشید. دولت بشار اسد نیز تلاش کرد تا اختلافات گذشته را حل و فصل نموده و از دامن زدن به آنها پرهیز نماید. قابل ذکر است که سوریه و ترکیه یک سلسله اختلافات بر سر مسائلی از قبیل: فعالیت‌های سیاسی کردها در سازمان پ.ک.ک.، چگونگی تقسیم آب فرات و استان اسکندرون داشتند. این استان در سال ۱۹۳۹ مقارن با آغاز جنگ جهانی دوم از سوی کشور استعماگر فرانسه به ترکیه واگذار شد، اما سوریه همچنان اسکندرون را بخش جدایی‌ناپذیر خاک خود می‌داند.

در اکتبر ۱۹۹۸م، آنکارا سوریه را به جنگ و حمله هوایی علیه پایگاه‌های پ.ک.ک. در آن کشور تهدید کرد. سوریه نیز عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک. را به مسکو فرستاد و متعهد شد که به حمایت از پ.ک.ک. پایان داده و از ادعای خود بر استان هاتای دست بردارد. در واقع، برتری نیروهای ترکیه و ترس سوریه از اقدام تلافی‌جویانه رژیم صهیونیستی، این فرصت را به ترکیه داد تا کمربند راهبردی که یونان و سوریه با موافقت‌نامه همکاری‌های دفاعی خود در سال ۱۹۹۵ در اطراف این کشور به وجود آورده بودند، را بشکند. (اورکلی،۱۳۸۰: ۱۸-۵)

ترکیه با درک این موضوع که هر کشوری برای خنثی کردن تهدیدهای خارجی باید به تقویت توان نظامی خود و یافتن متحدان جدید اقدام نماید، برای نوسازی نیروهای مسلح خود اقدام به عمل آورده است. نیروهای نظامی ترکیه که حامی هر دوی این ایده‌ها بودند (نوسازی و همکاری‌های نظامی)، قرارداد همکاری با اسرائیل را منعقد کردند.

پس از به قدرت رسیدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰م، روابط بین ترکیه و سوریه متعادل‌تر گشت، اما با شروع ناآرامی‌های سیاسی سوریه، اردوغان مواضعی غیرشفاف در برابر همسایه خود اتخاذ نمود. متعاقب این امر بشار اسد با فرستادن مشاور عالی خویش به آنکارا به این اقدام اعتراض کرد. به طور کلی در قبال ناآرامی‌های سوریه، ترکیه به مشی انتقاد صریح روی آورد و خواستار پایان دادن به برخورد با معترضان گردید. ترکیه به عنوان کشوری که در همسایگی دو

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

کشور بحران‌زدۀ عراق و سوریه قرار دارد، نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم بحران در این دو کشور و در منطقه خاورمیانه ایفا می‌کند. ترکیه از ابتدای شروع بحران در سوریه تلاش کرد تا با پشیبانی و حمایت از نیروهای مخالف بشار اسد، زمینه را برای سقوط نظام بشار اسد در سوریه فراهم کند. ترکیه تمام توان لجستیکی و حمایتی خود را در حوزه‌های نظامی، جغرافیایی، سیاسی، مالی به کار بست تا با استفاده از مرزهای زمینی وسیعی که با سوریه دارد، اوضاع را به ضرر بشاراسد و نیروهای دولتی سوریه رقم بزند اما این هدف تا امروز اتفاق نیفتاده است (Tolay, 2014: 24). ترکیه همچنین به عنوان عضو ناتو تلاش می‌کند تا نقش نیابتی آمریکا را در منطقه به نحو احسن اجرا کند، اما در ادامۀ راه ظاهراً منافع این دو یار قدیمی در نحوۀ مواجهه با داعش در سوریه و عراق دچار اختلاف شده است. از این‌رو، شاهد افشاگری‌های مسئولان آمریکا و ترکیه علیه هم در مورد داعش بودیم.

از اقدامات شاخص ترکیه در قبال تحولات جاری سوریه، میزبانی نشست‌های گروه‌های مخالف دولت بشار اسد بوده است. این اقدام نشانه آشکاری از سیاست مداخله‌جویانه به حساب می‌آید. اقدام دیگر این کشور پذیرش آوارگان سوری بود. سیاست ترکیه در قبال سوریه تاکنون بارها از سوی نمایندگان احزاب سیاسی مخالف و سازمان‌های مردم‌نهاد به ویژه در استان‌های نوار مرزی مورد انتقاد قرار گرفته و اعتراضات فراگیر عمومی از جمله تظاهرات در این مکان‌ها به دفعات برگزار شده است.

ترکیه به دنبال شکل‌گیری دولتی با رویکرد سنی و اخوانی در سوریه است. حزبی که در ترکیه قدرت را به دست دارد و از نظر اندیشه‌ای جزو گروه‌های اخوانی جریان اندیشه سیاسی اهل سنت می‌باشد. حماس در فلسطین، اخوان در مصر و حزب عدالت و توسعه در ترکیه شاخه‌های اخوانی در این کشورها هستند. از این‌رو، رجب طیب اردوغان، محمد مرسی، و خالد مشعل به عنوان سه شخصیت جریان اخوانی منطقه در برهه‌ای با هم نزدیک بودند (Idiz, 2013). به عبارت دیگر، ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای به دنبال آن است که کشورهایی همسو با اهداف و برنامه‌های این کشور در منطقه شکل بگیرند. از این‌رو، عراق و سوریه به عنوان دو کشور همسایۀ ترکیه اولویت بیشتری برای همسویی دارند. هرچند ترکیه نیم نگاهی هم به کشورهایی چون مصر و افغانستان دارد. روی کار آمدن دولت شیعی در عراق پس از سقوط صدام و همچنین، استقرار نظام علوی بشار اسد نمی‌توانست کمکی به ترکیه در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

رسیدن به اهداف بلندپروازانهٔ این کشور را داشته باشد.

ترکیه با آغاز بحران در سوریه، از گروه‌های تروریستی و افراط‌گرای سوریه از جمله داعش حمایت کرد. پس از مطرح شدن داعش به عنوان گروهی تروریستی در سطح بین‌المللی، ترکیه ترجیح داد مواضع رسمی خود را تغییر دهد. تا به امروز اولویت راهبردی ترکیه سرنگونی دولت سوریه بوده و اقدام صرف علیه داعش را به معنای جدی شدن احتمال حملات تلافی‌جویانه تروریستی داعش در خاک سوریه و قدرتمندتر شدن دولت سوریه می‌داند. همچنین، داعش به عنوان دشمن دولت سوریه همچنان تأمین‌کنندهٔ منافع ترکیه است. در مورد کردها نیز سیاست ترکیه جلوگیری از قدرت‌یابی کردهای سوریه است که در ائتلافی نانوشته با دولت سوریه هستند. به ویژه آنکه اساساً دولت ترکیه مخالف قدرت‌یابی کردهای منطقه است (Yeşiltaş, 2015: 19-23)

۵. تشدید سطحی از تنش با همسایگان

حزب عدالت و توسعه در یک دههٔ گذشته در راستای سیاست نرم خود در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی توانسته است اعتبار و جایگاه خود را افزایش دهد. در «سطح داخلی» با انجام اصلاحات و توسعه آزادی‌ها و دموکراسی، کاهش نقش نظامیان در سیاست، اعطای حقوق بیشتر به اقشار قومی و مذهبی و برخورد تسامحی با تمامی گروه‌ها و اقلیت‌ها و ارائه یک عملکرد اقتصادی موفق، در «سطح منطقه‌ای» براساس استراتژی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان توانسته روابط خوبی را با تمامی کشورهای منطقه برقرار کند و در «سطح بین‌المللی» نیز با شکستن حصارهای گذشته و گذر از سیاست بسته به سیاست باز و حضور قوی در صحنه سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی، توانسته است اعتبار و جایگاه این حزب را در نزد افکار عمومی داخل و مردم منطقه به شکل قابل توجهی بالا ببرد. این موفقیت‌ها نه تنها به اعتبار ترکیه در منطقه افزوده بلکه این کشور را به کنش‌گری فعال و تأثیرگذار نیز تبدیل کرده است.

اما بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و حمایت این کشور از مخالفان دولت سوریه و همچنین همگامی با غرب در قبال تحولات این کشور، استراتژی «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» این کشور را به «تنش با همسایگان» سوق داد. بحران سوریه تا به امروز، قدرت نرم این کشور

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

را به طور جدی به چالش کشیده است. شاید برای رهبران حزب عدالت و توسعه هرگز قابل پیش‌بینی نبود که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چون ایران، روسیه و چین به طور جدی در کنار سوریه بایستند و اجازه ندهند تا سناریوی لیبی در سوریه نیز تکرار شود.

از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی که ترکیه در حال حاضر با آنها مواجه است، می‌توان به شکست سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان اشاره کرد. ترکیه که پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان، سیاست خارجی خود را به احمد داوود اوغلو و نظریه وی مبنی بر «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» سپرده بود، اینک دیگر نشانه‌ای از این خط‌مشی را در سیاست خارجی خود نمی‌بیند. زیرا آنکارا با حمایت از مخالفان دولت سوریه، نه تنها روابط خود را با همسایگانش نظیر ایران و روسیه خدشه‌دار کرد، بلکه عملاً سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان را کنار گذاشت و «سیاست تبعیت از غرب» را جایگزین آن نمود. با این حال، سیاست فوق نیز به سرعت با شکست مواجه شد. زیرا سرنگون شدن دو جنگنده ترکیه در فضای هوایی سوریه، نه تنها قدرت نظامی آنکارا زیر سؤال برد، بلکه در اتحاد غرب و ناتو با آنکارا نیز تردیدهایی به وجود آورد. زیرا به‌رغم آنکه هواپیمای ترکیه با هماهنگی ناتو و آمریکا وارد فضای هوایی سوریه شده بود، اما پس از سرنگون شدن آن، نه ترکیه واکنش جدی نشان داد و نه ناتو حاضر به مداخلهٔ نظامی شد. این در حالی است که مطابق با منشور ناتو، هرگونه حمله نظامی به هر یک از اعضای این پیمان، به معنای حمله به تمام کشورهای عضو تلقی می‌گردد. با این حال پس از این واقعه، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی تنها به محکوم کردن اقدام سوریه پرداخت و آن را نمونه‌ای از عدم توافق مقامات سوریه با عرف بین‌الملل، صلح و امنیت دانست. این اقدام ناتو باعث شد که میان مقامات و نخبگان سیاسی ترکیه دو دستگی به وجود آید و آنها بیش از پیش به شکست سیاست خارجی ترکیه معترف گردند (Bishku, 2016).

سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و همچنین ترکیه طی سال‌های گذشته، تا حد زیادی تحت تأثیر احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه این کشور بوده است. نظریهٔ سیاست خارجی داوود اوغلو براساس چند پایه اساسی و مشهور نظیر «دکترین عمق استراتژیک»، «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» و «نوعثمانی‌گرایی» بنا شده است.

بر این اساس ارزیابی تئوری «عمق استراتژیک» داوود اوغلو نشان می‌دهد که این تئوری دارای نقاط ضعف و همچنین نقاط قوت می‌باشد. از نقاط قوت آن می‌توان به توجه این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

تئوری به پیشینه تاریخی ترکیه به عنوان یک کشور شرقی و چرخش سیاست خارجی آنکارا از پافشاری بر روی تلاش‌های بی‌ثمر برای نزدیک شدن به غرب به منظور عضویت در اتحادیه اروپا، به سمت تعامل با کشورهای منطقه برای کسب موقعیت باثبات در قفقاز و خاورمیانه نام برد. به همین سبب هنگامی که سیاست خارجی بدون تنش ترکیه در قبال همسایگان از سوی حزب توسعه و عدالت ترکیه مطرح شد، در زمان خود طرح معقول و عامه‌پسندی ارزیابی گردید. چنانکه پیروان دکترین سیاست خارجی ترکیه قصد داشتند ترکیه را به ستاره درخشان منطقه تبدیل کنند و حتی به عنوان رهبر بهار منطقه‌ای نیز عمل نمایند. بر این اساس داوود اوغلو اعلام کرد که ترکیه تحولات خاورمیانه را به عنوان رهبر و خدمتگزار آن هدایت خواهد نمود (داوود اوغلو، ۱۳۹۱: ۸۹).

دولت ترکیه در تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا تلاش‌های درخور توجهی کرده و سیاست خارجی فعالی در قبال این تحولات اتخاذ نموده و بر این اعتقاد بوده است که به یکی از بازیگران مهم در ترتیبات سیاسی نوین در منطقه مبدل گردد. با این حال همراهی ترکیه با ملاحظات سران کشورهای عربی و غربی در قبال این تحولات علاوه بر اینکه بر اعتبار سیاست خارجی مستقل این کشور خدشه وارد می‌کند، چشم‌انداز موفقیت این کشور در خاورمیانه نوین را – که به سرعت به سمت اسلام‌گرایی و استقلال از غرب به پیش می‌رود – نیز با ابهاماتی مواجه می‌سازد(İçduygu & Karaçay, 2012: 77).

از ابتدای بحران سوریه ترکیه سیاست غیردوستانه و حتی خصمانه ضد دولت دمشق را به نمایش گذاشته و نقش ترانزیت کننده تروریست‌های گروه داعش و سایر گروه‌های تروریستی از اقصی نقاط جهان به سوریه را به عهده گرفت و امروز یکی از علل پیچیدگی تحولات منطقه و اوج‌گیری قدرت تروریست‌ها ناشی از همین سیاست‌هاست و علی‌القاعده این سیاست‌ها تأثیرات بسیار منفی بر ترکیبات امنیتی منطقه و مناسبات کشورهای منطقه از جمله ایران و ترکیه گذاشته است (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه نیز نه تنها روابط مطلوب و روبه‌رشد آنکارا با دمشق را قطع کرد، بلکه راه گسترش مبادلات تجاری ترکیه با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را نیز مسدود کرد و باعث بروز تنش‌هایی در روابط ترکیه با سایر همسایگانش نظیر ایران، روسیه و عراق شد. در میان کشورهای خاورمیانه، روابط ترکیه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

با سه همسایه خود یعنی سوریه، عراق و ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به ویژه که این کشور طی سال‌های اخیر تا حد زیادی مدیریت ثبات در روابط با سوریه و عراق را از دست داده و از دوستی و نزدیکی با آنها به خصومت و روابط متشنج روی آورده است.

از زمان آغاز بحران سوریه، نحوه موضع‌گیری دولت ترکیه با سؤالات و ابهامات زیادی مواجه شد. زیرا این موضع‌گیری برخلاف روندی بود که حداقل طی ۱۰ سال قبل از شروع این بحران، در روابط ترکیه با سوریه آغاز شده بود. واقعیت آن است که ترکیه از آغاز درباره نقش غرب به ویژه ایالات متحدهٔ آمریکا و ناتو در قبال تحولات سوریه دچار خطای محاسباتی شد. زیرا دولت ترکیه گمان می‌کرد اگر مخالفت‌ها در سوریه به مراحل نظامی کشیده شود، آنگاه غرب به تکرار سناریوی لیبی در سوریه خواهد پرداخت و به مداخله نظامی در این کشور مبادرت خواهد ورزید. با این حال، گذر زمان و به خصوص موضع‌گیری آمریکا و ناتو در قبال تحولات سوریه نشان داد که دولت ترکیه برآورد درستی از اوضاع نداشته است. مورد هدف قرار گرفتن جنگنده‌های ترکیه در حریم هوایی سوریه و عدم واکنش آمریکا و ناتو به این موضوع، بیانگر عدم تمایل غرب به دخالت نظامی مستقیم در حوادث سوریه بود. این امر تا آنجا پیش رفت که اردوغان به صورت علنی به انتقاد از دولت آمریکا پرداخت و خواهان آن شد که کاخ سفید موضع روشن و قاطعی در برابر تحولات سوریه و حمایت از مخالفان اسد اتخاذ نماید (Cebeci, 2011: 93-103).

۶. فعال شدن گسل‌های هویتی در سطوح اجتماعی (علویان و سنی‌ها)

نقش حکومت اردوغان در درگیری‌های سوریه و پشتیبانی از مخالفان بشار اسد تنش‌ها میان حزب حاکم و علویان این کشور را افزایش داده است. این تنش‌ها میان اردوغان و جمعیت ۲۰ میلیون نفری علویان ترکیه به جایی رسیده است که حکومت افزایش عبادتگاه‌های مخصوص علویان معروف به «بیت الجمع» را رد کرده و قصد دارد پلی جدید در تنگه بسفر را به نام سلطان سلیم اول که در تاریخ مرتکب جنایت‌های ضد شیعی شده است، نامگذاری کند.

علویان ترکیه ادامه سیاست اردوغان علیه نظام علوی سوریه در طی چند سال اخیر را اهانتی آشکار برای خود می‌دانند. این تنش‌ها میان اردوغان و علویان وقتی بیشتر شد که پس از انفجارهای ریحانلی که منجر به کشته شدن ۵۳ نفر شد، اردوغان علویان را در پشت پرده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

آن دانست و همچنین، نظام بشار اسد را به جنایت‌هایی علیه اهل سنت ترکیه متهم ساخت (David, 2014).

شیعیان جعفری و علوی‌ها که بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ۷۰ میلیون نفری ترکیه را تشکیل می‌دهند، بارها ناخشنودی خود را از اینکه دولت تنها پیروان یک مذهب را زیر چتر حمایت خود قرار داده است، اظهار کرده‌اند. آنها می‌گویند دولت حزب عدالت و توسعه، مالیات پرداخت شده توسط شیعیان و سایر اقلیت‌های مذهبی کشور را در ساخت مساجد برای اهل تسنن و تربیت روحانیون سنی و پرداخت حقوق به آنها هزینه می‌کند. بر خلاف اکثریت سنی ترکیه، شیعیان این کشور هیچ‌گونه کمک مالی از دولت دریافت نمی‌کنند. آنها مجبورند برای خرید زمین و مصالح مورد نیاز برای ساخت اماکن مذهبی خود و نیز برای پرداخت حقوق روحانیون شیعه اقدام به جمع‌آوری وجوهات از شیعیان سراسر کشور کنند. یکی از مشکلات ناشی از اشتباهات محاسباتی ترکیه در بحران سوریه، نارضایتی گسترده میان اقلیت علوی‌های این کشور است که با هم‌کیشان خود در سوریه دارای پیوندهایی تاریخی هستند. علویان ترکیه را شاید بتوان مهم‌ترین مخالفان سیاست‌های این کشور در قبال بحران سوریه به حساب آورد. در واکنش به سیاست‌های مداخله‌جویانهٔ ترکیه در سوریه، استان هاتای (انطاکیه) ترکیه شاهد تظاهراتی بود که هزاران نفر از علویان در آن شرکت داشتند. در این تظاهرات که با شعارهای ضد دولتی همراه بود، تظاهرکنندگان پلاکاردهایی را در حمایت از بشار اسد حمل می‌کردند (Tomson, 2017).

علویان ترکیه در مجموع به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، علویان آناتولی ترک‌نژاد هستند که در استان‌های مرکزی و شرقی این کشور پراکنده‌اند. دست دوم را علویان استان‌های جنوب شرقی و کردنشین تشکیل می‌دهند که با عنوان «زازا» شناخته می‌شوند. در نهایت دسته سوم، علویان نصیری عرب‌نژاد هستند که در مرز ترکیه و سوریه و به طور عمده استان هاتای سکونت دارند. علویان نه تنها در نژاد و زبان، بلکه در نوع نگاه به مذهب و انجام فرایض دینی با یکدیگر اختلافاتی مهم دارند. به طور کلی، علوی‌های نصیری در امور مذهبی مقیدتر از علویان ترک و کرد هستند. این شکاف‌های قومی، زبانی و تفاوت در آیین‌های دینی موجب می‌گردد که تعریف یک هویت علوی مستقل دشوار باشد و از این‌رو، انتظار نمی‌رود علویان به عنوان بلوکی منسجم به کنش‌گری سیاسی بپردازند. در این میان تنها علویان نصیری هستند که

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

با علوی‌های سوریه از لحاظ زبان و قومیت هم‌پیوند بوده و نسبت به سرنوشت آن‌ها از خود حساسیت نشان می‌دهند. در نقطه مقابل، برخی علویان را وزنه‌ای مهم در سیاست‌گذاری‌های ترکیه در قبال سوریه به حساب می‌آورند که اعمال فشارهایشان بر دولت، بر تردیدها در حمایت از مخالفان بشار اسد خواهد افزود و ترکیه را وادار به بازنگری در سیاست–های خود در قبال سوریه خواهد کرد. علویان به سه دلیل می‌توانند در نهایت نقشی تعیین‌کننده در تغییر سیاست‌های آنکارا در قبال بحران سوریه داشته باشند. نخستین دلیل، موقعیت ویژه علویان در مهم‌ترین حزب مخالف دولت است. «حزب جمهوری‌خواه خلق» را هم اکنون «کمال قلیچدار اوغلو» رهبری می‌کند که دارای اصالتی علوی است. از ابتدای درگیر شدن ترکیه در منازعات داخلی سوریه، حزب جمهوری‌خواه خلق، اسلام‌گرایان ترکیه را به پیگیری برنامه‌هایی برای احیای عثمانی‌گری متهم کرده است. این فشارها بر دولت تا حدی است که رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه در ۲۲ مارس ۲۰۱۲م، در پاسخ به حملات حزب جمهوری‌خواه خلق به اصالت علوی کمال قلیچدار اوغلو، رهبر این حزب اشاره کرد و حملات مخالفان به سیاست‌های دولتش در سوریه را به دلایل فرقه‌ای و مذهبی منتسب کرد. دومین عامل این است که علویان ترکیه اساساً تحت آموزه‌های دینی منسجم قرار ندارند و از این‌رو، محتمل است که تفاوت‌های عمیق خود را با علویان سوریه درنیابند. این عامل بسیج افکار عمومی علویان ترکیه را از هر سه دسته کرد، ترک و عرب در حمایت از هم–کیشان سوری خود ممکن می‌سازد. سومین عامل آن است که فارغ از اینکه علویان کنشی ضد دولتی از خود نشان دهند یا خیر، صرف وجود اقلیت علوی در همسایگی با سوریه دولت ترکیه را وادار به احتیاط در برخورد با بحران سوریه می‌کند. در استان هاتای ترکیه، نزدیک به ۵۰۰/۰۰۰ علوی ساکن هستند و این در حالی است که یک میلیون از ساکنان دیگر این استان را اهل سنت تشکیل می‌دهند (KINGSLEY, 2017).

دو دیدگاه درخصوص میزان تأثیرگذاری واکنش علویان ترکیه به سیاست‌های این کشور در سوریه وجود دارد. دیدگاه نخست بر این باور است که علویان ترکیه به عنوان یک اقلیت نامنسجم، توان اثرگذاری بر سیاست‌های دولتی را در قبال سوریه ندارند و در نهایت، دولت فارغ از مواضع آنان، سیاست‌های خود را به پیش خواهد برد. علویان به صورت تاریخی در ترکیه دارای موقعیتی حاشیه‌ای بوده‌اند و کمتر موفق شده‌اند خود را به عنوان جریان اثرگذار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

سیاسی و حتی اجتماعی معرفی کنند. در تاریخ عثمانی و به ویژه از زمان سلطان سلیم دوم، علویان تحت سرکوب حکومتی قرار داشته و به عنوان مردمانی درجه دوم، همواره در حاشیه عرصه اجتماعی ترکیه قرار گرفته‌اند و کمتر توانسته‌اند به متن تحولات وارد شوند. در تحلیل نهایی باید گفت که عامل «وجود علویان» چه به صورت کنش‌گران سیاسی و چه به صورت نیروهای منفعل بر نوع عملکرد دولت ترکیه در قبال بحران سوریه اثرگذار بوده است. ترکیه از بروز درگیری‌های فرقه‌ای در استان هاتای نگران است و از این‌رو، با احتیاط بیشتری با بحران سوریه برخورد می‌کند (Ibid).

۷. نفوذ گروه‌های سلفی- تکفیری به محیط امنیتی ترکیه

جذب و حضور شهروندان ترکیه در دل این گروه تروریستی گسترش بحران‌های تروریستی در ترکیه را در آینده نزدیک نوید می‌دهد. شاید بعضی از رهبران حزب عدالت و توسعه در راستای تحقق سیاست خارجی حزبی خود سعی داشتند تا از جبهه‌النصره و داعش بهره‌برداری ابزاری نمایند و البته باور و اعتقادی به ایدئولوژی و عقاید این گروه‌ها نداشتند، اما به نظر می‌رسد که امروز به گروگان‌هایی در دست این گروه‌های افراطی تبدیل شده‌اند. مهم‌ترین میراث داعش برای سیاست خارجی ترکیه جدید و برای ریاست جمهوری اردوغان عبارت‌اند از:

۱. به مخاطره افتادن وجهه عمومی ترکیه در انظار عمومی جهان از منظر حقوق بشری؛

۲. قطبی شدن جامعه ترکیه و پیامدهای مخرب آن بر امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛

۳. گسترش دامنه گروه‌های افراطی و جهادی در ترکیه در حالی‌که پرونده میلیشیایی گروه‌های قومی کردی در حال جمع شدن است؛

٤. انزواگرایی بیشتر ترکیه در خاورمیانه و تعمیق چالش این کشور با قدرت‌های مؤثر خاورمیانه همچون ایران؛

۵. به چالش کشیده شدن ترکیه توسط گروه داعش به واسطه تحلیل‌های وهمی از خلافت.

پیامد امنیتی حضور گروه‌های افراطی در سوریه دامنگیر ترکیه هم شده است؛ به طور مثال انفجار بمب در استانبول، کلان شهر ١٤ میلیون نفری ترکیه، جان ده نفر را گرفت که ۹ نفر از آنان گردشگران آلمانی بودند (Williams, 2015). البته استانبول به طور مداوم شاهد

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

اتفاقات دیگری نظیر به آتش کشیدن خودروهای مردم و اتوبوس‌های دولتی از سوی هواداران پ.ک.ک. نیز بوده، اما حمله تروریستی انتحاری، به یکباره در صدر اخبار رسانه‌های جهان قرار گرفت. احمد داوود اوغلو نخست وزیر ترکیه و رهبر حزب عدالت و توسعه در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که عامل این حمله تروریستی، وابسته به گروه تکفیری داعش بوده است. در ارزیابی میزان اهمیت سیاسی و امنیتی حمله مزبور می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد:

۱. حمله تروریستی در شهر بزرگ استانبول، به معنی تهدید امنیت مهم‌ترین شهر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ترکیه و حمله به صنعت گردشگری این کشور است. در صورتی که این اقدام به شکل زنجیره‌ای تکرار شود و در دیگر مراکز توریستی همچون آنتالیا نیز شاهد چنین حملاتی باشیم، در آن صورت، اقتصاد ترکیه بیش از پیش در تنگنا قرار خواهد گرفت.

۲. گردشگران آلمانی به شکل تصادفی آماج این حمله انتحاری نبوده‌اند و داعش با این اقدام در واقع به دنبال آن بود تا در خاک ترکیه به آلمان و سایر دولت‌های اروپایی مخالف داعش پیام بدهد.

۳. داعش حملات تروریستی خود در خاک ترکیه را از دو شهر کردنشین دیاربکر و سوروچ (پرسوس) آغاز کرد و سپس به آنکارا و بالاخره به استانبول رسید، اما نکته مهمی که در این چهار حملهٔ تروریستی وجود دارد این است که داعشی‌ها، هنوز هم در حملات خود، ترک‌ها را مورد حمله قرار نداده‌اند. در سه حمله نخست کردها و دانشجویان و فعالان سیاسی □ رسانه‌ای طرفدار پ.ک.ک. و در حملهٔ چهارم، گردشگران آلمانی قربانی اقدامات تروریستی شدند و یکی از پیام‌های ضمنی این حمله، این است که داعش هنوز هم به ترکیه هشدار می‌دهد و با انجام چنین حملاتی به دنبال صدور پیام تهدیدآمیز یک حمله بزرگ است و شاید اگر قرار باشد این گروه تکفیری باز هم در ترکیه دست به حمله بزند، در رویداد آتی شهروندان ترک ترکیه قربانی شوند.

٤. حمله تروریستی در استانبول، نشان‌دهندهٔ این واقعیت بود که ترکیه به شدت و به راحتی در معرض اقدامات تروریستی داعش قرار دارد و با توجه به طول ۹۰۰ کیلومتری مرز ترکیه و سوریه، احتمال تکرار چنین اقداماتی در ترکیه، دور از ذهن نیست. این مسئله، اثبات کننده این واقعیت است که باید درک روشنی از ترس و دغدغه امنیتی مسئولان ترکیه در قبال موجودیت داعش داشته باشیم و طبیعی است که ترکیه در برابر داعش دست به عصا حرکت کند. اگرچه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ترکیه در ائتلاف با آمریکا، اروپا، عربستان و دیگر کشورهای عربی، در صف مبارزه با داعش قرار گرفته، اما نمی‌توان انتظار داشت که اقدامات ترکیه علیه این گروه تکفیری، به شکل سریع، کوبنده و قاطعانه باشد؛ زیرا آنکارا ناچار است در محاسبات نظامی و امنیتی خود، واکنش‌های داعش در داخل خاک ترکیه را در نظر بگیرد (Cockburn, 2015: 271).

داعش با اقدامات خود نشان داد که در ترکیه دارای شاخه‌های پنهان فراوانی است. علاوه بر اینکه بسیاری از اعضای داعش در پوشش آوارگان از داخل سوریه به ترکیه آمده‌اند، برخی از جوانان ترکیه‌ای نیز به داعش پیوسته‌اند و حضور آنها در خانه‌های تیمی پنهان در اغلب استان‌های ترکیه، می‌تواند زمینه‌ساز حملات تروریستی و ناامنی در ترکیه باشد. با در نظر گرفتن موارد بالا می‌توان گفت که ترکیه در حوزه امنیتی، با چالش‌ها و مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند و در صورتی که دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه راهی برای توافق با پ.ک.ک. و نیز راهی برای مصون ماندن و پایین آوردن هزینه‌ها در برابر داعش پیدا نکند، دولت ترکیه با مشکلات بزرگی از سوی تروریست‌های تکفیری روبه‌رو خواهد شد (Ibid).

۸. تقویت گروه‌های معارض کرد در مناطق مرزی

به طور کلی، کردهای خاورمیانه در محل تلاقی سه حوزه فرهنگی و تمدنیِ آریایی، سامی و ترک قرار دارند. تعداد کل کردهای چهار کشور ترکیه، عراق، ایران و سوریه حدود ۲۵ میلیون نفر برآورد می‌شود که در مساحتی حدود ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع زندگی می‌کنند. مسئلهٔ کردها بارها در شرایط مختلف مطرح و تشدید شده و موجبات ناامنی‌های منطقه‌ای را فراهم آورده است.(Amberin, 2014)

یکی از پیامدهای بحران سوریه برای دولت ترکیه کمک ناخواسته به کردها در مناطق مرزی این کشور بود. بحران سوریه، سیاست قدیمی ترکیه در قبال کردها را با چالش‌های جدی مواجه کرد. زیرا همزمان با ناآرام شدن شهرهای سوریه، فعالیت کردهای مخالف ترکیه نیز در این کشور تشدید شد. در این بین به‌رغم آنکه اردوغان از زمان آغاز تحولات سوریه، نسبت به تحرکات کردها حساسیت به خرج داد و حتی خبر از تشکیل منطقه مرزی امن در شمال سوریه، در صورت تداوم تهدیدات پ.ک.ک. داد، با این حال گذشت زمان نشان داد که این سیاست ترکیه به شکست انجامیده است. حملات پی‌درپی اعضای پ.ک.ک. به شهرهای مختلف

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ترکیه، نه تنها باعث به وجود آمدن ناامنی در این کشور شد، بلکه به مرور زمان مشروعیت و کارآمدی دولت اردوغان را در دفاع از امنیت ملی و مواجهه با ناامنی نیز زیر سؤال برد. این در حالی بود که به‌جای ارتش سوریه که سال‌ها مرزهای این کشور با ترکیه را آرام نگه داشته بود، نفرات مسلح پ.ک.ک. و شاخه سوری آن، حزب اتحاد دموکراتیک (پارتیا یکیتیا دموکرات) بر چهار شهرستان کردنشین قامشلی، حسکه (حسیچه)، رأس‌العین (سری کانی)، مالکیه (دیرک) در شمال‌شرق و شهرستان کردنشین عفرین در شمال استان حلب مسلط شده بودند. در واقع اعضای حزب کارگران کردستان کنترل برخی از نقاط مرزی را در اختیار گرفته بودند و این امر می‌توانست بیش از پیش به نبردهای چریکی پ.ک.ک. با ارتش ترکیه دامن بزند (Ibid).

بدین ترتیب، آنکارا که با حمایت از مخالفان دولت سوریه، موجب ناامنی این کشور شده بود، امنیت ملی خود را در معرض تهدید می‌دید. زیرا با پشتیبانی از مخالفان سوریه، عملاً فضای مساعدی برای اتحاد احزاب مخالف کُرد در هر دو کشور مهیا کرد. در واقع، جلوگیری از تقویت پ.ک.ک. با توجه به بحران سوریه و جلوگیری از گسترش خشونت و ناامنی در داخل خاک ترکیه، به یکی از دلایل عمده دولت ترکیه برای حل و فصل مسئله کردی مبدل شد. با این حال، روند تحولات سوریه یکبار دیگر آتش جنگ را میان دولت ترکیه و کردها برافروخت.

جنگ با پ.ک.ک. هزینه‌های سنگینی بر دست ترکیه گذاشته است. بر اساس، آمارهای رسمی اعلام شده توسط مقامات نظامی و امنیتی ترکیه، در بمباران هوایی مواضع پ.ک.ک. در مرز ترکیه و همچنین در عمق خاک اقلیم کردستان عراق، بیش از دو هزار نفر از افراد پ.ک.ک. کشته شده‌اند و در درگیری‌های شهری نیز در پنج شهرستان کردنشین، حدود ۵۰۰ نفر از اعضای شاخه نظامی و نوجوانان هوادار مسلح پ.ک.ک. کشته شده‌اند و این تلفات سنگین، موجب آن می‌شود که از لحاظ اجتماعی، زمینه برای تداوم ناامنی در مناطق کردنشین، هموار بماند و علاوه بر این، زمینه برای درگیری‌های قومی در دو قطب کُردی و ترکی در برخی مناطق نیز وجود دارد. آن‌گونه که پیداست، فعلاً راهی برای آغاز مجدد مذاکرات صلح بین ترکیه و پ.ک.ک. وجود ندارد و اوجالان، شورای رهبری پ.ک.ک. و نیز مهم‌ترین نهاد اقماری آنها یعنی حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) همچون گذشته مورد خطاب سرویس اطلاعاتی میت و سران دولت قرار نمی‌گیرند و در سال ۲۰۱۶ درگیری‌ها باز هم ادامه پیدا کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه نسبت به کردها را بیشتر می‌توان نشأت‌گرفته از نگرانی‌های امنیتی این کشور با توجه به وجود اقلیت کرد در جنوب شرقی این کشور دانست که طی چند دهۀ اخیر با دولت مرکزی درگیرِ نزاعی سخت هستند. این منازعه تاکنون باعث مرگ بیش از ٤٠ هزار نفر شده است.

پس از شروع ناآرامی‌های سوریه، ترکیه از اولین کشورهایی بود که خواستار اصلاحات در این کشور و سپس برکناری بشار اسد از ریاست جمهوری سوریه بود. سیاستی که با مطرح شدن مسئلۀ کردها و همچنین موضوع آینده سوریه، ترکیه را با وضعیت دشواری روبه‌رو کرده است. خروج نیروهای ارتش سوریه از مناطق کردنشین سوریه در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۱۲ و در اختیار گرفتن کنترل این منطقه توسط کردهای سوریه، باعث نگرانی ترک‌ها در مورد آینده سوریه و در نهایت، آینده منطقه شده است.

ترکیه همواره اهمیت حفظ «یکپارچگی سرزمینی» سوریه را به مخالفان دولت این کشور تأکید کرده است. داوود اغلو وزیرخارجه ترکیه، از شورای ملی سوریه و مخالفان سوری مورد حمایت آنکارا خواسته تا تضمین کنند در آینده متحد ترکیه باقی خواهند ماند و به گروه‌های قومی سوری به خصوص کردها، اجازه تعقیب خواست‌هایی نظیر تعیین حق سرنوشت با الگوبرداری از مدل کردستان عراق را ندهند. ترکیه در راستای هماهنگی سیاست‌های خود با بازیگران منطقه‌ای و جهانی در قبال تحولات سوریه به خصوص مناطق کردنشین، دیپلماسی فعالی را در پیش گرفته است. داوود اغلو با سفر خود به منطقه کردستان عراق و دیدار با مسعود بارزانی رئیس منطقه کردستان، رسماً نگرانی ترکیه را در خصوص آینده سوریه خصوصاً مناطق کردنشین مطرح کرده بود و دو طرف در بیانیه‌ای مشترک هشدار دادند که با هر تهدیدی از طرف هر گروه یا سازمانی که از خلأ قدرت در سوریه استفاده کنند، برخورد خواهند کرد(Öner & Genç, 2015: 251-262).

رجب طیب اردوغان نیز علیه هرگونه فعالیت پ.پ.ک. در شمال سوریه هشدار داده و به اقدام نظامی علیه این منطقه تهدید کرده است. چنین اظهاراتی از طرف مقامات ترکیه ممکن است پ. پ. ک. را متقاعد کند که در حال حاضر از حمله به ترکیه از داخل خاک سوریه خودداری کند. چرا که برای پ. پ.ک. حمله به ترکیه از داخل سوریه می‌تواند به حملات تلافی‌جویانه ارتش ترکیه علیه اهداف کردها در سوریه و مداخله خارجی در سوریه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

بینجامد(Migdalovitz, 2010: 392).

هشدارهای ترکیه تا به حال تأثیر چندانی بر تحولات مناطق کردنشین سوریه نداشته است. احزاب کرد سوری تاکنون ضمن خودداری از پیوستن به شورای ملی سوریه، تلاش گروه‌های مخالف دولت سوریه از جمله گروه موسوم به «ارتش آزاد سوریه» برای ورود به مناطق کردنشین را نیز خنثی کرده‌اند. کردها در سوریه سعی کرده‌اند تا زمانی که مخالفان یا حکومت خواسته‌های کردها را بپذیرند و اهداف آنها را تضمین کنند، بیرون از منازعه سوریه قرار بگیرند.

چنین به نظر می‌رسد که کردهای سوریه از تجربه کردهای عراق در ایجاد منطقه‌ای باثبات برای خودشان جدا از ناآرامی‌های مناطق دیگر سوریه استفاده خواهند کرد. ترکیه به واسطه پیوستگی جغرافیایی با مناطق کردنشین در کشورهای همسایه، هرگونه تحول در مناطق کردنشین در آن سوی مرزهای خود را، تأثیرگذار بر امنیت ملی خود می‌پندارد. بر این اساس، امکان ظهور دومین منطقه خودمختار کردنشین در نزدیکی مرزهای ترکیه مقامات این کشور را ناچار به اتخاذ سیاست‌های بازتری در قبال کردهای خود خواهد کرد. از این‌رو، ترکیه در تلاش است با هماهنگی سیاست‌های خود با کشورهای منطقه که دارای اقلیت کرد هستند، از بروز مشکلات بیشتر، در نزدیکی مرزهای خود جلوگیری به عمل آورد (Ibid).

۹. پ.ک.ک. و چالش‌های امنیتی دولت ترکیه

در حوزه کردنشین ترکیه احزاب سیاسی مختلفی در تلاشند تا افکار عمومی را به خود جلب نمایند. احزاب فعال در صحنهٔ ملی بدون در نظر گرفتن وجوه قومی و نیز احزاب اسلام‌گرای منطقه‌ای فعال در مناطق کردنشین ترکیه از جمله این احزاب هستند. اما شواهد حاکی از آن است که در سال‌های اخیر بر نفوذ حزب کارگران کرد ترکیه یا پ.ک.ک. در مناطق کردنشین افزوده شده است. از زمان اعلام فعالیت این حزب یعنی از اواخر سال‌های دهه ۱۹۷۰میلادی تاکنون ده‌ها هزار تن از نیروهای دولتی، چریک‌های کرد و نیز شهروندان عادی قربانی درگیری این گروه و نیروهای دولتی شده‌اند. برخی معتقدند قصور و کوتاهی دولت‌های نوین ترکیه در تقویت گروه‌های میانه‌رو و دموکراتیک کُرد موجب شده است که اوجالان به صورت یگانه شخصیتی که کردهای ترکیه بتوانند او را رهبر واقعی خود قلمداد کنند، درآید. چراکه در ترکیه هر پیشنهادی مبنی بر اینکه دولت آنکارا صلح درازمدت را از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

طریق اجرای یک رشته اصلاحات به منظور بر آورده ساختن آرزوهای کردها در زمینهٔ تکلم به زبان کردی و سایر حقوق فرهنگی آنان تأمین کند، سازش با تروریسم و به خطر افکندن کشور تلقی می‌شود.

ایدئولوژی پ. ک. ک. از ابتدای تشکیل تکیه به سوسیالیزم دارد. رهبر این حزب مدعی است که مقاومت سوسیالیزم در برابر تک‌روی یکی از دلایل انتخاب این ایدئولوژی برای حزب می‌باشد. رهبر پ. ک. ک. حرکت حزب خود را حلقه‌ای از حلقه‌های انقلاب پرولتاریایی دنیا می‌داند که حلقه نخست آن از انقلاب اکتبر (شوروی سابق) آغاز گردید. از نظر اوجالان سوسیالیسم علمیِ مارکسیستی در فرهنگ انسانیت از آغاز تا به امروز بهترین و پیشرفته ترین سنتز، با کیفیتی بسیار بالاست. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بن بست نظریه مارکسیستی در مواضع رهبری این حزب تغییراتی شکل گرفت، اما همچنان به سوسیالیسم به عنوان ایدئولوژی حزب تمسک جسته می‌شود (Gaveriaux, 2016).

در هر حال این حزب تکیه‌گاه اصلی جذب نیروی خود را بر روستاییان متمرکز کرده است. چرا که از نظر رهبر پ. ک. ک. روستایی بودن اساس خلق کُرد است و این طبقه بیشترین شمار خلق کُرد را در خود جای می‌دهد. این طبقه در گذر تاریخ یورش‌ها و حملات سنگین و شدیدی را به خود دیده است جدا نمودن کُرد و روستا از هم ممکن نیست، چون که تا امروز شهرها با دید انکار به ملیّت کُرد نگریسته‌اند. تنها ترسیم‌کنندگان خلق کُرد روستاها و روستاییان بوده‌اند. بسط نفوذ پ. ک. ک. در کردستان ترکیه موجب شده تا اوجالان خود را نیرومندترین مرد کردستان بنامد و مدعی شود مردم مرا به چشم پیامبر می‌نگرند (Ibid).

اوجالان تا پیش از سال ۱۹۷۸ در قالب احزاب چپ و مارکسیست ترکیه فعالیت می‌کرد و در ۱۹۷۸، پ. ک. ک. با همکاری اوجالان و تعدادی از همفکران کرد و تعدادی ترک ترکیه‌ای تأسیس شد. هدف از تشکیل حزب در ابتدا اعلام استقلال حوزه کُردنشین از ترکیه بود. این حزب نیم نگاهی نیز به دیگر حوزه‌های کُردنشین در کشورهای همسایه داشت. در سال ۱۹۸٤ این حزب وارد درگیری نظامی با دولت شد. این درگیری‌های گسترده نظامی در جنوب شرقی ترکیه ده‌ها هزار نفر تلفات در پی داشت. اوج این درگیری‌ها در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ میلادی بود که تلفات سنگینی بر جای گذاشت. در دهه ۱۹۹۰ میلادی به تدریج این حزب از ایده استقلال حوزه کُردنشین فاصله گرفت و دستیابی به فدرالیسم را جایگزین شعارهای

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

پیشین کرد. اما در روش این حزب، یعنی جنگ مسلحانه تغییری روی نداد. با اعمال فشار ترکیه به سوریه که در آن روزگار لبنان را در اشغال خود داشت، اوجالان مجبور به خروج از قرارگاهش در بقاع لبنان شد و ابتدا راه روسیه و سپس ایتالیا را برای ادامه فعالیت‌هایش در پیش گرفت. فشار ترکیه موجب اخراج اوجالان از آن کشورها و سرانجام، رفتن اوجالان به کنیا شد که در آنجا به چنگ نیروهای امنیتی ترکیه افتاد. اوجالان از سال ۱۹۹۹ میلادی در زندان به سر می‌برد. اینگ مراد کاریلان جانشین وی در رهبری حزب است. این حزب اینک با استقرار در کوهستان‌های قندیل در شمال منطقه کُردنشین عراق، فعالیت‌های خود را از این منطقه هدایت می‌کند.

با دستگیری اوجالان و تغییر تاکتیک‌های این حزب، برای کاستن از فشار ترکیه و نیز فشار آمریکا و اروپا، این حزب جبهه‌های جنگ خود را با تأسیس شعبه‌های تازه‌ای، افزون بر ترکیه متوجه دیگر کشورهای همسایه کرد. این اقدام هرچند مورد استقبال برخی دولت‌های غربی قرار گرفت، اما نتوانست در وضعیت حزب و موازنه قوای موجود تغییری ایجاد کند و فشار منطقه‌ای بیشتری را بر حزب وارد ساخت. درگیری همزمان در چند جبهه برای پ. ک. ک. هزینه‌های سنگینی در پی داشت.

اقبال عمومی به حزب عدالت و توسعه و نیز برخی وعده‌های انتخاباتی این جریان این خوش‌بینی را در میان گروه‌هایی از مردم ایجاد کرده بود تا شاید بتوان در این چارچوب برای حل مسائل مرتبط با کردهای ترکیه نیز اقداماتی به عمل آورد، اما پیچیدگی وضعیت سیاسی ترکیه و نیز سنت سخت‌پایِ کمالیسم که در لایه‌های پیچ در پیچ ساختار سیاسی و نظامی ترکیه نفوذ عمیقی دارد و پاره‌ای عوامل دیگر موجب شده تا حزب حاکم چندان خود را درگیر یافتن راه حلی برای حل و فصل مشکلات موجود نکند. این در حالی است که مسئله کردهای ترکیه به عنوان یکی از موانع ورود ترکیه به اتحادیه اروپا از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. افزون بر مسائل سیاسی و نیز ورود نیروهای کرد در شوراهای محلی و انتخاب شهرداران محلی برای شهرهای جنوب شرقی ترکیه و همچنین اجازهٔ نشر برخی نشریات و کتاب‌ها به زبان کردی در ترکیه که در نوع خود اقدامی کم سابقه است، فعالیت توسعه‌ای گسترده‌ای نیز در این مناطق آغاز شده است. تأسیس دانشگاه در دیاربکر و نیز چند نقطه دیگر، توسعه زیربناهای ارتباطی و جاده‌ها و بزرگراه‌ها و احداث مراکز صنعتی و اقداماتی از این دست اصلاحات،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

اگرچه با اقبال نسبی شهروندان روبه‌رو شده است، اما فعلاً نتوانسته رضایت تام و تمام منتقدان را فراهم سازد (Erdemir & Tahiroglu, 2017).

بمباران مواضع پ. ک. ک. در شمال اقلیم کردستان عراق، فصل جدیدی از خشونت‌ها را پیش روی منطقه خاورمیانه گشوده است. آتش کینه‌ای با قدمتی نزدیک به ٤٠ سال بین کردهای کارگران کردستان و دولت ترکیه در عمق خاک این کشور مجدداً روشن شده است. این درگیری‌ها در یکی از حساس‌ترین فصول تاریخی خاورمیانه به وقوع می‌پیوندد که می‌تواند منجر به پیچیده‌تر شدن موضوع برطرف نمودن خصومت‌ها در منطقه گردد (Ibid).

از ابتدای آغاز درگیری‌ها در سوریه، ترکیه به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای پشتیبانی کننده مخالفان بشار نقش مخربی را در روند مبارزه با تروریسم در سوریه ایفا کرده است. بازیگران دولتی فعال در عرصه نبردهای سوریه بازی بی‌پایانی را شروع نموده‌اند که به سختی می‌توان برنده‌ای را برای این ماراتن خونین مشخص کرد. تمامی این کشورها بازی در فضای سوریه را جزئی از سیاست خارجی خود می‌دانند. در این میان، این فقط ترکیه است که امنیت داخلی خود را هزینه‌ای برای پشتیبانی از سیاست‌هایش در سوریه نموده است. جنگ در سوریه دیوارهای همسایه‌های خود را نیز خونین کرده است (Sengupta, 2016).

در شرایط کنونی این کشور نمی‌توان با قاطعیت در مورد عواقب حذف هر یک از فعالان میدانی آن اظهار نظری کرد. در صورتی که رقیب قدرتمند داعش، یعنی جبهه النصره از مناطق شمالی پاک‌سازی گردد، نتیجهٔ آن قدرتمندتر شدن دولت خودخوانده ابوبکر بغدادی خواهد بود که تمامی نیروهای منفک شده از این جبهه را جذب خواهد نمود و در مناطق تحت تسلط آن مستقر خواهد کرد. به یاد داشته باشیم که جناح‌های مخالف همواره دارای اثر تقویت ناخواسته برای یکدیگر هستند. حضور پررنگ شبه نظامیان ورزیده پ. ک. ک. در سوریه خواهد توانست معادلات تمامی بازیگران میدانی این کشور را تغییر دهد.

شروع درگیری‌های پ. ک. ک. با ارتش ترکیه می‌تواند فرصتی برای تغییر معادلات در مناطقی از سوریه تلقی گردد. پ. ک. ک. ذاتاً یک گروه نظامی است که در عرصه سیاسی اقلیم کردستان عراق با رقبای قدرتمندی مانند حزب دموکرات کردستان و حزب اتحاد میهنی کردستان عراق مواجه است. همچنین، در ترکیه نیز پیروزی حزب کردی دموکراتیک خلق‌ها در انتخابات پارلمانی این کشور فرصت فعالیت سیاسی- انقلابی تکرو در جامعه کردی ترکیه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

را از این گروه گرفت. حال همگان پ. ک. ک. را صرفاً یک جریان نظامی مخالف دولت در ترکیه می‌شناسند.

پ. ک. ک. در شمال سوریه با عنوان یگان‌های مدافع خلق یکی از اصلی‌ترین خطوط مبارزاتی را علیه داعش برقرار کرده‌اند. همچنین، می‌توان ادعا کرد که سلاح این یگان‌ها تا کنون نیروهای ارتش عربی سوریه را مورد هدف قرار نداده‌اند و می‌توان از آنها به عنوان متحدین غیر رسمی و غیر علنی بشاراسد نام برد. فرماندهی سیاسی این گروه (PYD) نیز بارها بر لزوم حفظ وحدت کشور سوریه و عدم مداخله مزدوران خارجی در سرنوشت این کشور تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، کردها به عنوان موثق‌ترین هم‌پیمان غرب در درگیری‌های ضد داعش حضور دارند. به طوری که خیل عظیمی از سلاح‌ها و آموزش‌ها تا کنون در اختیار این گروه قرار گرفته است (KINGSLEY, 2017).

ترکیه همواره اصلی‌ترین دشمن خود را گروه تروریستی پ.ک.ک. نامیده است و نشان داده که برای جلوگیری از رشد این جریان حاضر به اتخاذ هر نوع تصمیمی است. نگرانی‌های آنکارا از پیشروی‌های یگان‌های کرد سوری در خاک سوریه و در امتداد مرزهای ترکیه، این کشور را بر آن داشت تا طرح ایجاد منطقه امن در شمال سوریه را مطرح نمایند.

درحالی که ترکیه تلاش داشت پ.ک.ک. را تضعیف کند، به صورت اتفاقی سبب قدرت گرفتن بیشتر این گروه شد. اما اینکه چرا آنکارا در ابتدا وارد جنگ گسترده با حزب کارگران کردستان در عراق و سوریه نشد و ناگهان به آنان اعلام جنگ کرد، دلایل دیگری دارد. سه دلیل اصلی ترکیه برای ورود به جنگ با پ.ک.ک. را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. پ.ک.ک. دشمن قطعی دولت ترکیه است. آنکارا در ابتدا معتقد بود با خروج پ.ک.ک.، علاوه بر تضعیف بیشتر این گروه با حملات هوایی، مشکل داخلی به نام پ.ک.ک. دیگر وجود نخواهد داشت. اما گذشت زمان نشان داد که به‌رغم خروج پ.ک.ک. از ترکیه، نفوذ این گروه در بین کردهای این کشور هنوز هم وجود دارد (این موضوع در انتخابات اخیر ترکیه نمود آشکاری داشت).

۲. کردها سبب پابرجا ماندن رژیم اسد هستند. استراتژی ترکیه در حمایت گسترده از داعش، علاوه بر ضربه زدن به حکومت بشار اسد، از بین بردن کردهای سوریه و پ.ک.ک. بود. این امر در مسئله کوبانی محرض شد. پ.ک.ک. با کردهای سوریه هم‌پیمان است که این

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

امر سبب قدرت آنان مقابل حملات داعش بود. کردها با زدن ضربات جبران‌ناپذیر به داعش، به نوعی سبب پابرجا ماندن حکومت اسد در سوریه شدند که این وضعیت را اردوغان برنمی‌تابد.

احتمال تشکیل کشور توسط کردها در سوریه وجود دارد. کردهای سوریه (حزب واحد دموکرات) پس از هم‌پیمانی با پ.ک.ک.، موفق به پیروزی‌های متعدد در برابر داعش شدند. با عنایت به شرایط پرهرج و مرج سوریه، انتظار می‌رود که کردهای این منطقه در میان‌مدت موفق به تشکیل حکومت خودمختار شوند. دولت ترکیه به هیچ عنوان حاضر به پذیرش حکومت کردها در جوار مرزهای شرقی خود نیست. در واقع خروج پ.ک.ک. که زمانی مزیت ترکیه برای تضعیف این گروه و مداخله در کشورهای همسایه محسوب می‌شد، حال سبب قدرت گرفتن بیشتر کردهای منطقه شده است .(Ibid)

۱۰. افزایش نارضایتی داخلی از عملکرد دولت ترکیه در قبال بحران سوریه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای بحران سوریه برای ترکیه افزایش نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی در این کشور بود. پس از شروع بحران سوریه و موضع‌گیری خصمانه دولت ترکیه در قبال آن، مخالفت‌ها و اعتراضات زیادی از سوی مردم و احزاب مخالف در ترکیه صورت گرفت که شدیدترین آنها ناآرامی‌های پارک گزی در نزدیکی میدان تقسیم و کودتای اخیر نظامیان علیه اردوغان بود.

در این بین یکی از دلایل افزایش نارضایتی اجتماعی در میان مردم ترکیه، به سیاست خارجی دولت اردوغان مرتبط می‌شود. در واقع، عظمت‌طلبی‌های عثمانی‌گرایانه دولت اردوغان به چالشی جدی برای این کشور تبدیل شده است. بسیاری از مردم ترکیه، حافظه تاریخی بسیار منفی از پیامدهای فاجعه‌بار عظمت‌طلبی‌های عثمانی‌گرایانه دارند. در دو دهه ابتدایی سده بیستم عظمت‌طلبی ترک‌های جوان برای احیای قدرت از دست رفته امپراتوری عثمانی منجر به نابودی این امپراتوری گردید و حتی هویت ترکیه‌ای را در معرض محو کامل قرار داد و تنها با سیاست آتاتورک و کنار گذاشتن اندیشه‌های پان‌اسلامیستی و پان ترکیستی بود که کشور ترکیه توانست در قرن بیستم عرض اندام نماید (İçduygu & Karaçay, 2016)

به طور کلی از زمان آغاز بحران سوریه، اختلافات زیادی میان حزب عدالت و توسعه و سایر احزاب و گروه‌های سیاسی ترکیه درخصوص نوع دخالت دولت ترکیه شکل گرفت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

انفجارهایی که در شهر ریحانلی صورت گرفت و همچنین ناامنی و بی‌ثباتی‌هایی که پس از شروع بحران سوریه در ترکیه پیش آمد، اکثر مردم این کشور را در صف مخالفان سیاست‌های دولت در قبال سوریه قرار داده است. مشکلات اقتصادی، سیاست‌های غرب‌گرایانه به خصوص نزدیکی بیش از اندازه به آمریکا در مورد سوریه باعث ایجاد نارضایتی مردم شده است. بسیاری از معترضان ترکیه بر این باورند که رجب طیب اردوغان از تحولات سوریه بهره‌برداری کرده و می‌خواهد محلی برای مکاسب سیاسی برای اعتلای حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاسی ترکیه به دست آورد.

در سطح داخلی و در درون ترکیه، به عنوان مثال، می‌توان به تظاهرات مردم ترکیه در انتقاد از حمایت ترکیه از گروه‌های تندرو و حمله ترکیه به خاک سوریه، در شهرهای انتاکیه و سویدیه در سال ۲۰۱٤ اشاره کرد. در این ارتباط، شماری از احزاب مخالف ترک مانند حزب جمهوری خلق و حزب کمونیست نیز حمایت دولت از گروه‌های تندرو و حمله ترکیه به سوریه را محکوم کردند. ناآرامی‌های داخلی ترکیه از عوامل مهم دیگر در تغییر نگاه ترکیه به بحران سوریه نیز بوده است. یکی از دلایل تظاهرات ۳۱ می پارک گزی، میدان تقسیم و گسترش آن به سراسر ترکیه، اعتراض به سیاست سوری آنکارا بوده است. در بُعد داخلی، علوی‌ها و کردهای سوریه از یک سو و ناسیونالیست‌ها و سکولارها از سوی دیگر، مهم‌ترین مخالفان سیاست‌های سوری آنکارا هستند. در این راستا، احزاب «حرکت ملی» و «جمهوری خلق» به دنبال مداخلهٔ دولت در سوریه، جامعه ترکیه را برای اعتراض علیه سیاست‌های سوری اردوغان ترغیب کردند. از این‌رو، سیاست‌های سوری آنکارا در کنار دیگر متغیرها نقش مهمی در شکل‌گیری ناآرامی‌های داخلی ترکیه داشته است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

بحث و نتیجه‌گیری

جنگ داخلی در سوریه از جمله عوامل تعیین‌کننده‌ای بود که امنیت ملی ترکیه را با چالش مواجه ساخت. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

الف) فعال شدن گسل‌های هویتی در سطوح اجتماعی: ترکیه دارای جمعیت ۲۰ میلیون نفری از علویان است که سیاست اردوغان علیه نظام علوی سوریه طی چند سال اخیر را اهانتی آشکار برای خود می‌دانند. این عامل – چه به صورت کنش‌گران سیاسی و چه به صورت نیروهای منفعل بر عملکرد دولت ترکیه – سبب بروز نگرانی درخصوص درگیری‌های فرقه‌ای در ترکیه شده است.

ب) نفوذ گروه‌های سلفی– تکفیری به محیط امنیتی ترکیه: داعش با اقدامات خود نشان داد که در ترکیه دارای شاخه‌های پنهان فراوانی است. علاوه بر اینکه بسیاری از اعضای داعش در پوشش آوارگان از داخل سوریه به ترکیه آمده‌اند، برخی از جوانان ترکیه‌ای نیز به داعش پیوسته و حضور آنها در خانه‌های تیمی پنهان در اغلب استان‌های ترکیه، می‌تواند زمینه‌ساز حملات تروریستی و ناامنی در ترکیه باشد.

ج) تشدید فعالیت کردها در مناطق مرزی: بحران سوریه، سیاست قدیمی ترکیه در قبال کردها را با چالش‌های جدی مواجه کرد. زیرا همزمان با ناآرام شدن شهرهای سوریه، فعالیت کردهای مخالف ترکیه نیز در این کشور تشدید شد. همچنین، قصور و کوتاهی دولت ترکیه در تقویت گروه‌های میانه‌رو و دموکراتیک کُرد موجب شده است که اوجالان به صورت یگانه شخصیتی که کردهای ترکیه بتوانند او را رهبر واقعی خود قلمداد کنند، درآید. چراکه در ترکیه هر پیشنهادی مبنی بر اینکه دولت آنکارا صلح درازمدت را از طریق اجرای یک رشته اصلاحات به منظور برآورده ساختن آرزوهای کردها در زمینه تکلم به زبان کردی و سایر حقوق فرهنگی آنان تأمین کند، سازش با تروریسم و به خطر افکندن کشور تلقی می‌شود.

د) افزایش نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی در ترکیه: از زمان آغاز بحران سوریه، اختلافات زیادی میان حزب عدالت و توسعه با سایر احزاب و گروه‌های سیاسی ترکیه – نظیر حزب جمهوری خلق و حزب کمونیست – در خصوص نوع دخالت دولت این کشور شکل گرفت. همچنین، ناامنی و بی‌ثباتی‌هایی که پس از شروع بحران سوریه در ترکیه پیش آمد، اکثر مردم این کشور را در صف مخالفان سیاست‌های دولت در قبال سوریه قرار داد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

هـ) تشدید تنش با همسایگان: افزایش ناآرامی‌های داخلی در سوریه آزمون سختی برای اردوغان و حزب او بود تا نشان دهد که چه میزان نسبت به سیاست‌های «تنش صفر با همسایگان» و عدم مداخه در کشورهای همسایه متعهد هستند. بدین معنا، بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و حمایت ترکیه از مخالفان دولت سوریه و همچنین، همگامی با غرب، استراتژی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان این کشور را به تنش با همسایگان سوق داد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منابع

احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷). *کتاب‌شناسی تروریسم*. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

بنی هاشمی، میرقاسم؛ جوانپور، عزیز (۱۳۸۸). «جنبش‌های انقلابی عربی؛ چشم‌اندازها و چالش‌های الگوی نوین دولت». *فصلنامه مطالعات راهبردی*.

داود اوغلو، احمد (۱۳۹۱). *عمق راهبردی- موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*.

محمدحسین نوحی‌نژاد ممقانی. تهران: امیرکبیر

حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ سلطانی نژاد، احمد (۱۳۸٦). *سامان سیاسی در عراق جدید، وزارت امورخارجه*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات.

قهرمانپور بناب، رحمان (۱۳۸۰). *شرق شناسی، جهانی شدن و روابط بین الملل، اطلاعات سیاسی- اقتصادی*. تهران

نیاکویی، سیدامیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱). «راهبرد امنیتی ایران در مقابل تحرکات ژئوپلیتیکی آمریکا در خاورمیانه (۲۰۱۵- ۲۰۰۱)». *فصلنامه سیاست جهانی*.

هاشمی، سیدعباس (۱۳۹۱). «ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*.

Amberin, Zaman (2014). *Syrian Kurds continue to blame Turkey for backing ISIS militants*. Al-Monitor.

Bishku, Michael B. (2016). *Turkish-Syrian Relations: A Checkered History*. http://www.mepc.org/turkish-syrian-relations-checkered-history.

Cebeci, Mehmet (???)."NATO-EU Cooperation and Turkey". *Turkish Policy Quarterly*. Vol. 10. No.3.

Cockburn, Patrick (November 2015). *War with Isis: President Obama demands that Turkey close stretch of border with Syria*. The Independent.

David L. Phillips (2014). *Research Paper: ISIS-Turkey Links*. Huffington Post.

Erdemir, Aykan and Merve Tahiroglu (2017). *Turkey's Patchwork Foreign Policy Between Islamism and Pragmatism*. https://www.foreignaffairs.com/articles/turkey/2017-07-05/turkeys-patchwork-foreign-policy.

Ergun Özbudun (2012). *Presidentialism vs. Parliamentarism in Turkey*. Global Turkey in Europe Policy Brief. (Rome: IAI, 2012) http://www.iai.it/pdf/GTE/GTE_PB_01.pdf.

İçduygu,Ahmet and A. B. Karaçay (2016). *Demography and Migration in Transition:*

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

flections on EU–Turkey Relations. in Seçil Paçacı Elitok and Thomas Straubhaar (eds.). Turkey, Migrationand the EU: Potentials, Challenges and Idiz, Selim, "The 'Sunnification' of Turkish Foreign Policy," Turkey Pulse, Al-Monitor.

Gaveriaux, Laura-Maï (2016). *750 village guards employed in northern Turkey*. Le Monde diplomatique. Middle East Online.

Guoji, Guanxi (2001). *Security Dilemma, Balance of Power, Contemporary International Relations*. available at: www.uscc.gov.researchpapers, (accessed on 12.10.2011).

Migdalovitz, Carol (2010). "AKP's Domestically-Driven Foreign Policy". *Turkish Policy Quarterly*. Vol. 9. No. 4.

Öner, N. A. S. & Genç, D. (2015). *Vulnerability leading to mobility: Syrians' exodus from Turkey*. Migration Letters.

Kingsley, Patrick (2017). *Turkey's Alevis, a Muslim Minority, Fear a Policy of Denying Their Existence*. The New York Times.

Sengupta, Kim (2016). *Syria civil war: Turkey sends 1,000 special forces on secretive mission to secure 'security zone' across border*. http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/turkey-erdogan-syria-civil-war-special-forces-secret-mission-russia-us-aleppo-a7340171.html.

Howorth, Jolyon (????). "European Security Post-Libya and Post-Ukraine: In Search of Core Leadership". *Imagining Europe*. No. 8.

Tomson, Chris (9 March 2017). *Syrian Army, Kurdish forces team up against Turkish troops in Aleppo province.*

Tocci, Nathalie (2014). *Turkey and the European Union. The Center on the United States and Europe at Brookings Turkey project.*

Tocci, Nathalie and Dimitar Bechev (2013). Will Turkey Find its Place in Post-Crisis Europe?. Global Turkey in Europe, Policy Brief.

Tolay, Juliette (2014). *The EU and Turkey's Asylum Policy in Light of the Syrian Crisis.* Global Turkey in Europe, Policy Brief.

Khalilzad, Zalmay (2000). *Jeremy ... Carnegie Endowment for International Peace and Khalilzad et al.*

Litel, Richard (2010). *Change the Balance of Power Theory.* Translated by Ghulamali hginizade, Tehran: International Studies & Research Institute Abrar Moaser Tehran.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Tehran [in Persian].

Moshirzadeh, Homyra (2009). *Developments in Theories of International Relations*. Tehran: SAMT, Tehran [in Persian].

Waltz, Kenneth (1979). *Man, The State and War*. New York: Colombia University Press.

Williams, Lauren (2015-01-04). *ISIS Has Polarized Turkey Domestically*. Daily Star, Lebanon.

Öniş, Ziya and Şunhaz Yılmaz (2009). "Between europeanization and Euro-Asianism: Foreign Policy Activism in Turkey During the AKP Era". *Turkish Studies*. Vol. 10. No. 1.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۵

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

خلیلی‌نژاد کشکوئی، روح‌الله؛ دهشیار، حسین (۱۳۹۶)، «بحران سوریه و امنیت ملی ترکیه» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۷، ش۲، تابستان ۹۶، صص ۱۴۰-۱۰۷

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]